

## A Review of the Rule of Muhrim's Istezlal and Moving in the Holy City of Mecca

Mehdi Sajedi<sup>1\*</sup>, Mohammad Rasool Ahangaran<sup>2</sup>

1. Assinstant Professor, Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran
2. Professor, Faculty of Theology, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: April 8, 2020; Accepted: November 7, 2020)

### Abstract

The study seeks to investigate the legal ruling of driving roofed vehicles in Mecca or crossing over the tunnels during the day by men in the state of ihram (muhrim). The results of this research, obtained through library resources and software, show that the mentioned ruling depends on the criterion inferred by the jurist. It means that if the criterion of the jurist is the prohibition of using shadow by the muhrim during his travel, moving by a roofed car and crossing the tunnel permitted in Mecca. But, if the criterion of the jurist is the prohibition of using shadow when moving through any kinds of vehicles or using animals it is not permitted. Of course, he can cross the tunnels on foot. It seems that according to the indications in Islamic traditions it can be said that the criterion of sanctity is only creating a shadow by the muhrim on himself during the day and his stopping or moving has no effect in this ruling. Therefore, using the existed shadows or entering the house, tent, tunnel and the like is permitted for the man in the state of ihram, since he does not make a shadow on himself. According to this criterion, men in the state of ihram are not allowed to travel by roofed car in Mecca during the day, because it is an instance of shadowing.

**Keywords:** Mecca, House, Tazlil, Moving, Roofed Vehicles.

---

\* Corresponding Author, Email: [msoltanifar@yahoo.com](mailto:msoltanifar@yahoo.com)

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۸، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱  
صفحات ۱۱۹-۱۴۴ (مقاله پژوهشی)

## بازپژوهی در حکم استظلال مُحرم و تردد در مکه مکرمه

مهدی ساجدی<sup>۱\*</sup>، محمدرسول آهنگران<sup>۲</sup>

۱. استادیار، دانشکده علوم و معارف اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

۲. استاد، دانشکده الهیات، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷)

### چکیده

تحقیق حاضر درصدد بررسی حکم فقهی تردد با وسایل نقلیه مسقف در شهر مکه یا عبور از تونل‌های این شهر در روز برای مردان مُحرم است. نتایج این پژوهش که به‌صورت کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری صورت گرفته، حاکی از این است که حکم مزبور، تابع ملاکی است که فقیه، از روایات استنباط می‌کند. بدین معنا که اگر فقیه ملاک حرمت را بهره‌بردن مُحرم از سایه در سیر سفری قرار دهد، تردد در مکه با ماشین مسقف و از تونل‌ها، جایز است؛ اما اگر ملاک حرمت، استفاده مرد مُحرم از سایه در مطلق سیر با مرکب باشد، تردد فوق مجاز نیست، اما می‌تواند پیاده از تونل عبور کند. به‌نظر می‌رسد قرائن موجود در روایات دلالت دارد بر اینکه تنها ملاک حرمت، ایجاد سایه در روز توسط مرد مُحرم بر خود است و سیر و توقف، در حکم مسئله دخالتی ندارد. بنابراین برای مُحرم استفاده از سایه‌های موجود و داخل شدن در خانه و خیمه و تونل و مانند آن به‌سبب عدم صدق ایجاد سایه بر خود مجاز است و تردد با وسایل نقلیه مسقف در روز در شهر مکه از این جهت که مصادق ایجاد سایه بر خود است، جایز نیست.

### واژگان کلیدی

تظلیل، سیر، شهر مکه، منزل، وسایل نقلیه مسقف.

## ۱. مقدمه

یکی از محرمات احرام برای مردان حج گزار، استفاده از سایه در حال حرکت و سیر است و در حرمت استفاده از سایه در حال سیر، تفاوتی بین آنچه باعث ایجاد سایه می‌شود، وجود ندارد. البته چنانچه در منزل و محلی توقف کنند، می‌توانند از سایه خیمه، ساختمان و درختان استفاده کنند (سبحانی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۵۰۹؛ مظاهری، ۱۳۹۷: ۱۸۴).

امروزه حجاج و عمره‌گزاران پس از پیمودن مسیر میقات تا شهر مقدس مکه، در هتل‌های این شهر اسکان داده می‌شوند، اما با توجه به توسعه کنونی که در شهر مکه مانند سایر شهرها روی داده، لازم است برای رفتن به مسجدالحرام یا عرفات یا ادنی‌الحل و انجام طواف و مناسک حج یا عمره، از وسایل نقلیه مسقف استفاده کنند.

به عبارت دیگر از یک طرف، شهر مکه و هتل‌های محل اسکان آنان، از محل‌های توقف حجاج، محسوب می‌شود و از طرف دیگر، رفتن به مسجدالحرام یا ادنی‌الحل یا سرزمین عرفات از هتل محل اسکان در مکه، مستلزم طی مسافت طولانی است و معمولاً این تردها باید با وسایل نقلیه مسقف صورت پذیرد. در این صورت آیا در شهر مکه مردان مُحرم حج گزار نمی‌توانند از سایه‌ای که توسط ماشین مسقف ایجاد می‌شود، استفاده کنند یا شهر مکه، منزل و محل استراحت محسوب می‌شود و تردد در آن با استفاده از وسایل نقلیه مسقف، مجاز است؟

از آنجا که پاسخ به پرسش مذکور مبتنی بر روشن شدن ملاکی است که شارع برای حرمت استفاده مُحرم از سایه قرار داده، لازم است پژوهش را با واکاوی نصوص وارد شده در خصوص حرمت استظلال، سامان دهیم و پیش از آن مناسب است درباره حکم استظلال برای مردان مُحرم، نظرهای فقها مورد تتبع قرار گیرد.

## ۲. اقوال فقها

در خصوص حکم استفاده مرد مُحرم از سایه، دو نظریه به منصه ظهور رسیده است:  
الف) نظریه مشهور فقیهان امامیه که معتقدند برای مرد مُحرم در حال سیر قرار دادن

سایه بر خود جز در ضرورت جایز نیست، اما می‌تواند از سایه خیمه، ساختمان، دیوار و مانند آن بهره برد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۲۲؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۵۴۷؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۷۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶: ۳۲۱؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷: ۳۶۳ و ۳۶۴؛ فاضل‌هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۳۹۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۵: ۴۷۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۶: ۳۰۳؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۱۵۵؛ یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲: ۴۲۰؛ خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۴۲۷؛ صافی، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ۲۸۳).

این حکم همان‌گونه که بیان شد، در بین فقهای امامیه مشهور بوده و حتی برخی در مورد آن ادعای اجماع نموده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲: ۷۸؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲: ۲۵). نظر فقیهان معاصر نیز بر عدم جواز استظلال نسبت به مُحرم استواری یافته است (مظاهری، ۱۳۹۷: ۱۸۴).

ب) نظریه برخی فقها که معتقدند استفاده مُرد مُحرم از سایه، در حال حرکت مکروه است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۸۴؛ نقل کراحت از ابن‌جنید؛ مدنی کاشانی، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۱۶۲؛ از عبارات صاحب ذخیره نیز تمایل ایشان به جواز استفاده می‌شود.<sup>۱</sup> ر.ک: به محقق سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۵۹۸).

### ۳. مستند اقوال

مستند فقیهان امامیه روایات ذیل است:

یک. روایت صحیح عبدالله بن مغیره از امام کاظم (ع):

به حضرت عرض نمودم: درحالی که مُحرمم می‌توانم بر خود سایه قرار دهم؟ فرمودند: «نه»؛ گفتم: آیا می‌توانم بر خود سایه قرار داده و کفاره دهم؟ فرمودند: «نه»؛ گفتم: اگر مریض باشم چه؟ فرمودند: «بر خود سایه قرار ده و کفاره نیز بپرداز»؛ سپس فرمودند: «آیا

۱. «و يمكن الجمع بين الأخبار بوجهين أحدهما حمل أخبار المنع على الأفضلية و يؤيده أن النهي و ما في معناه غير واضح الدلالة على التحريم في أخبار أهل البيت كما ذكرناه كثيرا...».

نمی‌دانی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌فرمودند: هیچ حج‌گزاری نیست که لبیک‌گویان در مقابل خورشید قرار می‌گیرد تا اینکه خورشید غروب کند مگر اینکه با غروب خورشید، گناهانش نیز ناپدید می‌شود.<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۱۶).

مستفاد از این روایت، امور ذیل است:

۱. برای مُحرم ایجاد سایه بر خود در حال اختیار به‌طور مطلق جایز نیست؛ خواه در حال حرکت باشد یا در حال توقف و استراحت و خواه با ایجاد سایه بر خود، کفاره دهد یا نه؛

۲. ایجاد سایه برای مُحرم در حال ضرورت مانند مریضی با ادای کفاره جایز است؛

۳. ایجاد سایه، جهت جلوگیری از قرار گرفتن در معرض تابش خورشید مورد نهی است.

دو. روایت صحیح هشام بن سالم از امام صادق(ع):

از حضرت درباره حکم مُحرمی سؤال کردم که در کنیسه (سایه‌بان قرار گرفته بر محمل) سوار می‌شود؟ فرمودند: «نه، اما برای زنان جایز است.»<sup>۲</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۱۶). روایت مذکور ظهور دارد در اینکه ایجاد سایه در حال حرکت و سیر برای مردان مُحرم جایز نیست، زیرا قطعاً استفاده از کنیسه موضوعیت ندارد و آنچه نهی شده، این است که مُحرم بر خود با سوار شدن در کنیسه سایه ایجاد کند.

سه. روایت صحیح حلبی از امام صادق(ع):

از حضرت درباره حکم مُحرمی سؤال کردم که در قبه (نوعی سایه‌بان بر محمل) سوار

۱. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَظَلُّهُ وَأَنَا مُحْرِمٌ؟ قَالَ: «لَا» قُلْتُ: أَفَأُظَلُّهُ وَأَكْفُرُ؟ قَالَ: «لَا» قُلْتُ: فَإِنْ مَرَضْتُ؟ قَالَ: «ظَلُّهُ وَكُفْرٌ» ثُمَّ قَالَ: «أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ مَا مِنْ حَاجٍّ يَضْحَى مُلَبِّياً حَتَّى تَغِيَبَ الشَّمْسُ إِلَّا غَابَتْ ذُنُوبُهُ مَعَهَا.»

۲. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَرْكَبُ فِي الْكِنِيسَةِ فَقَالَ: «لَا وَهُوَ لِلنِّسَاءِ جَائِزٌ.»

می‌شود؟ فرمودند: «خوشحال نمی‌شوم از این کار مگر اینکه مریض باشد.»<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۱۷).

ممکن است از روایت مذکور چنین استفاده شود که استفاده مُحرم غیرمعدور از سایه‌بان در حال حرکت مکروه است، زیرا ارتکاب حرام موجب نهی است نه عدم خوشحالی، در صورتی که اگر حرام باشد باید امام(ع) به صراحت از آن نهی کنند، مگر اینکه گفته شود مراد حضرت از این جمله، عدم خوشحالی از ارتکاب محرمات احرام جز در فرض ضرورت، توسط مُحرم بوده است، اما به نظر می‌رسد استعمال چنین ترکیبی برای بیان حرمت، کافی نیست، مگر شرایط تقیه باعث شده باشد تا حضرت، حرمت را بدین نحو بیان کنند (سبحانی، ۱۴۲۷ق، ج ۳: ۵۲۲).

چهار. روایت صحیح عبدالرحمن بن حجاج از امام کاظم(ع):

از حضرت در مورد مُحرمی سؤال کردم که اگر در معرض تابش آفتاب قرار گیرد، برایش مشقت داشته و موجب سردرد او می‌شود، از این رو از تابش آفتاب خود را می‌پوشاند؛ فرمودند: «او به احوال خویش آگاه‌تر است، اگر می‌داند توان ندارد آفتاب بر او بتابد باید از تابش آفتاب در سایه قرار گیرد.»<sup>۲</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۱۷).

پنج. روایت موثق اسحاق بن عمار از امام کاظم(ع):

از حضرت در مورد مُحرم سؤال کردم که آیا می‌تواند در حال احرام بر خود سایه قرار دهد. فرمودند: «نباید چنین کند مگر مریض، معلول و کسی که نمی‌تواند تابش آفتاب را تحمل کند»<sup>۳</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۱۷).

۱. وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ وَ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَرْكُبُ فِي الْقُبَّةِ؟ فَقَالَ: «مَا يَعْجِبُنِي ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَرِيضًا.»

۲. وَ عَنْهُ عَنِ النَّخَعِيِّ عَنِ صَفْوَانَ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ الْمُحْرِمِ وَ كَانَ إِذَا أَصَابَتْهُ الشَّمْسُ شَقَّ عَلَيْهِ وَ صَدَّعَ فَيَسْتَبْرِئُ مِنْهَا، فَقَالَ: «هُوَ أَعْلَمُ بِنَفْسِهِ إِذَا عَلِمَ أَنَّهُ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ تُصِيبَهُ الشَّمْسُ فَلْيَسْتَظِلَّ مِنْهَا.»

۳. وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ جَبَلَةَ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَطْلُلُ عَلَيْهِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ؟

شش. روایت صحیح اسماعیل بن عبد الخالق از امام صادق(ع):

از حضرت سؤال نمودم که آیا مُحرم می‌تواند از تابش آفتاب خود را بپوشاند؟ فرمودند: «نه، مگر پیرمرد یا معلول باشد»<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۱۸).

هفت. روایت محمد بن منصور از امام رضا(ع):

از حضرت در مورد سایه برای مُحرم سؤال کردم، فرمودند: «بر خود سایه قرار ندهد مگر به سبب علیلی یا بیماری»<sup>۲</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۱۷).

مستفاد از روایات مذکور، موارد ذیل است:

۱. همه روایات مذکور جز روایت اخیر از سند قابل قبولی برخوردار است، روایت اخیر نیز اگرچه به دلیل ناشناخته بودن محمد بن منصور ضعیف است (خویی، بی‌تا، ج ۱۸: ۲۹۲)، به دلیل یکسان بودن محتوای آن با روایات قبل می‌توان از ضعف سندش چشم‌پوشی کرد.

۲. همه روایات ظهور دارد در اینکه قرار گرفتن در سایه تنها برای مُحرم معذور جایز است. البته احتمال دارد موضوع روایت عبدالرحمن بن حجاج، پوشاندن سر برای جلوگیری از تابش مستقیم آفتاب باشد، زیرا سخن از سردرد و استتار از خورشید در آن مطرح است، در این صورت از محل گفت‌وگو خارج است.

۳. روایت‌های پنجم و هفتم بر حرمت ایجاد سایه دلالت دارد، اما موضوع حرمت در روایت ششم حرمت استتار از خورشید است که دلالت دارد مُحرم به‌طور مطلق نباید در سایه قرار گیرد.

قَالَ: «لَا إِلَّا مَرِيضٌ أَوْ مَنْ بِهِ عِلَّةٌ وَالَّذِي لَا يَطِيقُ الشَّمْسَ.»

۱. وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ يَسْتَتِرُ الْمُحْرِمُ مِنَ الشَّمْسِ؟ فَقَالَ: «لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ شَيْخًا كَبِيرًا أَوْ قَالَ ذَا عِلَّةٍ.»

۲. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْهُ عَلَيْهِ

السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الظَّلَالِ لِلْمُحْرِمِ؛ فَقَالَ: «لَا يَظَلُّ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ أَوْ مَرَضٍ.»

۴. همه روایات جز روایت اخیر دلالت دارد بر اینکه حرمت استفاده مُحرم از سایه مختص به روز است، زیرا در این روایات حکم استتار از خورشید یا استفاده از سایه برای کسی که تاب تحمل تابش آفتاب ندارد یا با تابش آفتاب دچار سردرد می‌شود، مورد سؤال قرار گرفته است. از این رو معلوم می‌شود ملاک در حرمت ایجاد سایه و آنچه مورد نهی است، پرهیز از قرار گرفتن در معرض تابش خورشید است و نه صرفاً استفاده از سایه، حتی زمانی که تابش آفتاب نباشد (مانند زمانی که هوا ابری است).

هشت. روایت صحیح جمیل بن دراج از امام صادق(ع):

حضرت فرمودند: «اشکالی در مورد استفاده بانوان از سایه نیست و هر آینه در مورد استفاده از سایه برای مردان ترخیص صورت گرفته است.»<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۱۸).

این روایت به قرینه مقابله، ظهور دارد در اینکه استفاده از سایه برای مردان مُحرم دارای اشکال و حرام است، زیرا در مقابل عدم اشکال به طور مطلق، اشکال داشتن به طور مطلق قرار می‌گیرد، بنابراین تعبیر «رُخْص» نمی‌تواند بر ترخیص مطلق دلالت داشته باشد، و الا مقابله بی‌معنا خواهد بود، از این رو باید ترخیص صورت گرفته در برخی موارد باشد و چون سؤال از سایه است و روایت بیان می‌کند در خصوص سایه ترخیص صورت گرفته است و نه مُحرمین، فهمیده می‌شود استفاده از سایه در موارد خاصی که از سایر روایات فهمیده می‌شود (سایه چیزهای ثابت مانند خیمه و دیوار) برای مردان مجاز شده است.

نه. روایت صحیح عبدالله بن مغیره از امام رضا(ع):

از حضرت در مورد سایه برای مُحرم سؤال کردم فرمودند: «خود را در معرض آفتاب قرار بده به خاطر کسی که برای او مُحرم شده‌ای»، گفتیم: من گرمایی هستم و حرارت مرا

---

۱. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِالظَّلَالِ لِلنِّسَاءِ وَ قَدْ رُخِّصَ فِيهِ لِلرِّجَالِ.»



می‌آزارد. فرمودند: «آیا نمی‌دانی خورشید همراه با گناه محرم‌ها غروب می‌کند؟ (با غروب خورشید آنان آمرزیده می‌شوند).»<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۱۸).  
 مستفاد از روایت این است که:

۱. قرار گرفتن مُحرم در معرض آفتاب واجب است. بنابراین، روایت به‌طور مطلق استفاده از سایه را برای مُحرم مجاز نمی‌داند.

۲. اگرچه حکمتی که برای قرار گرفتن در معرض تابش آفتاب در مورد مُحرم بیان شده است در نگاه اول با استحباب دوری از سایه نیز سازگاری دارد، به‌نظر می‌رسد حضرت با عباراتی که در ذیل روایت آمده، درصدد تشویق مُحرم به تحمل مشقت در ادای واجب بوده‌اند، زیرا لزومی در ترغیب به انجام مستحبی که مکلف رغبتی به انجام آن ندارد و برای آن دچار مشقت است، دیده نمی‌شود و اگر پرهیز از سایه مستحب باشد، باید امام(ع) آن را با عباراتی مثل «اگر خواستی انجام بده ولی بدان که در انجامش ...» گوشزد کرده و پس از آن با برشمردن فضیلت پرهیز از سایه، در مکلف ایجاد انگیزه کنند. بنابراین به‌نظر می‌رسد امر به إضحاء، ظهور در وجوب دارد.

۳. حرمت استفاده از سایه مختص روز است، زیرا اضحاء در شب بی‌معناست.

ده. روایت قاسم بن صیقل

راوی نقل می‌کند: «کسی را ندیدم که به اندازه امام جواد(ع) در حال احرام از قرار گرفتن در سایه پرهیز کند تا آنجا که فرمان می‌دادند سایه‌بان و چوب‌های اطراف محمل (که مانع از سقوط مسافر از طرفین می‌شود) را نیز بردارند»<sup>۲</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۱۹).

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الظَّلَالِ لِلْمُحْرِمِ فَقَالَ: «اضْحَ لِمَنْ أَحْرَمْتَ لَهُ» قُلْتُ: إِنِّي مَخْرُورٌ وَإِنَّ الْحَرَّ يَشْتَدُّ عَلَيَّ فَقَالَ: «أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الشَّمْسَ تَغْرُبُ بِذُنُوبِ الْمُحْرِمِينَ.»

۲. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرِّبَّانِ عَنْ قَاسِمِ بْنِ الصَّقِيلِ قَالَ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَشَدَّ تَشَدِيدًا فِي الظَّلِّ مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْمُرُ بِقُلْعِ القَبَةِ وَ الْحَاجِبِينَ إِذَا أَحْرَمَ.

این روایت به دلیل ناشناخته بودن قاسم بن صیقل ضعیف است. اما از نظر دلالت می‌تواند بر حرمت استفاده از سایه برای مُحرم دلالت داشته باشد، زیرا:  
اولاً: شدت اهتمام در دوری از سایه با حرمت، سازگاری دارد، و الا امر مستحب چنین اهتمام شدیدی را لازم ندارد؛

ثانیاً: نشان‌دهنده این است که برای پرهیز از ارتکاب حرام، آن حضرت کاری بیشتر از سایرین انجام داده‌اند که مقدار بیشتر مستحب بوده است، به گونه‌ای که راوی از انجام آن توسط امام(ع)، اهتمام بیشتر حضرت در تحفظ از سایه به‌عنوان یکی از محرمات احرام را فهمیده است، درحالی‌که اگر در نظر راوی ایجاد سایه برای مُحرم حرام نبود، شدت اهتمام را از این رفتار حضرت برداشت نمی‌کرد. همچنین از این روایت، حرمت استفاده از سایه در روز فهمیده می‌شود، زیرا تشدید در ظل در شب بی‌معناست.

یازده. روایت صحیح عثمان بن عیسی کلابی از امام کاظم(ع):

به حضرت عرض کردم علی بن شهاب از سرمای شدیدی که به سرش می‌رسد شکوه دارد و می‌خواهد مُحرم شود. فرمودند: «اگر همان‌گونه که گمان می‌کند باشد باید خود را بیوشاند، اما تو به خاطر کسی که برای او مُحرم شده‌ای خود را در معرض آفتاب قرار بده.»<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۱۹).

به نظر می‌رسد در صورتی که روایت می‌تواند بر حکم مُحرم در استفاده از سایه دلالت داشته باشد که پوشاندن سر نیز نوعی استفاده از سایه به حساب آید، و الا تخصصاً از محل بحث خارج است، زیرا مطابق با این روایت، سرمای شدید مجوز استفاده از سایه است، درحالی‌که در سایه بودن و نبودن، نه تنها تفاوتی در محفوظ ماندن از آسیب سرما ندارد، بلکه مُحرم را نسبت به سرما آسیب‌پذیرتر می‌کند و حتی باید گفت چنین فردی که از سرما متأذی می‌شود، باید

۱. وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى الْكَلَابِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ شِهَابٍ - يَشْكُو رَأْسَهُ وَالْبُرْدُ شَدِيدٌ وَ يَرِيدُ أَنْ يَحْرِمَ؛ فَقَالَ: «إِنْ كَانَ كَمَا زَعَمَ فَلْيُظَلِّ وَ أَمَا أَنْتَ فَاضْحَ لِمَنْ أَحْرَمْتَ لَهُ.»

خود را در معرض تابش آفتاب و حرارت آن قرار دهد، از این رو به نظر می‌رسد باید مقصود سائل این باشد که آیا مُحرمی که از سرما اذیت می‌شود هم باید سر خود را بپوشاند یا نه. در این صورت موضوع روایت، سؤال از حکم پوشاندن سر در حال احرام است.

دوازده. روایت صحیح بکر بن صالح از امام جواد(ع):

به حضرت نامه نوشتم و عرضه داشتم عمه‌ام با من همراه است و تحمل گرما برای او در حال احرام دشوار است، آیا روا می‌دانید بر خودم و او سایه قرار دهم؟ حضرت نوشتند: «فقط بر او سایه قرار ده»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۳۵۲).

کلمه «وحدها» در این روایت ظهور دارد در اینکه ایجاد سایه فقط برای زنان مُحرم جایز است و در حرمت ایجاد سایه برای مُحرم فرقی بین حالت سیر و توقف نیست. همچنین روایت بر حرمت ایجاد سایه در روز دلالت دارد، زیرا استفاده از سایه‌بان در شب، تأثیری در تحمل گرما ندارد و چه بسا در شب گرمایی نباشد تا به ایجاد سایه نیاز شود.

سیزده. روایت صحیح محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق(ع):

از حضرت در مورد مُحرم سؤال کردم که آیا جایز است بر قبه سوار شود؟ فرمودند: نه؛ عرضه داشتم: زن مُحرم چطور؟ فرمودند: «بله»<sup>۲</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۱۶).

این روایت نیز در عدم جواز استفاده مُحرم از سایه‌بان در حال حرکت و سیر ظهور دارد، زیرا به‌طور قطع، قبه موضوعیت ندارد و نهی از سوار شدن بر قبه به ملاک حرمت ایجاد سایه است.

چهارده. روایت صحیح معلی بن خنیس از امام صادق(ع):

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ عَمَّتِي مَعِي وَ هِيَ زَمِيلَتِي وَ الْحَرُّ تَشْتَدُّ عَلَيْهَا إِذَا أَحْرَمْتُ فَتَرَى لِي أَنْ أَظَلُّ عَلَى وَ عَلَيْهَا فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «ظَلَّلْ عَلَيْهَا وَحْدَهَا».

۲. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَرْكَبُ الْقُبَّةَ؟ فَقَالَ: «لَا» قُلْتُ: فَالْمَرْأَةُ الْمُحْرِمَةُ؟ قَالَ: «نَعَمْ».

حضرت فرمودند: «مُحرم نباید بالباس، خود را به طور کامل از تابش آفتاب بپوشاند، اما پوشاندن بخشی از بدن با قسمتی از لباس یا بدن (اگر ضمیر به مُحرم برگردد) اشکال ندارد»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۳۵۲).

این روایت ظهور دارد در اینکه:

۱. جایز نیست مُحرم خود را با لباس از آفتاب بپوشاند، یعنی از لباس مانند سایه بان و چتر استفاده کند یا به سر او بچسبد مثل اینکه سر خود را در درون لباس فرو برد تا از تابش آفتاب در امان باشد، خواه مُحرم در حال حرکت یا در حال توقف باشد؛ اما استتار جزئی که با دست یا گوشه لباس ایجاد می شود، اشکالی ندارد.

۲. استتار و استفاده از سایه در روز و پرهیز مُحرم از قرار گرفتن در معرض تابش خورشید، مورد نهی است، نه صرف استفاده از سایه، خواه در شب یا زمانی که تابش آفتاب در کار نباشد (مانند زمانی که هوا ابری است).

پانزده. روایت صحیح معاویه بن عمار از امام صادق(ع):

حضرت فرمودند: «اشکالی ندارد مُحرم دستش را برای جلوگیری از حرارت خورشید بر صورت بگذارد و اشکالی ندارد قسمتی از بدن خود را برای جلوگیری از تابش خورشید با قسمت دیگر بپوشاند»<sup>۲</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۲۴).

مستفاد از روایت این است که:

۱. برای مُحرم ایجاد سایه جایز نیست، مگر سایه ای که با اعضای بدن مانند دست ایجاد شود و نیز در حرمت تظلیل فرقی بین دو حالت سیر و توقف نیست.

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا يَسْتَتِرُ الْمُحْرِمُ مِنَ الشَّمْسِ بِثَوْبٍ وَلَا بِأَسٍ أَنْ يَسْتَتِرَ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ.»  
۲. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ صَفْوَانَ عَنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا بِأَسٍ يَأْنِ يَضَعُ الْمُحْرِمُ ذِرَاعَهُ عَلَى وَجْهِهِ مِنْ حَرِّ الشَّمْسِ وَلَا بِأَسٍ أَنْ يَسْتَتِرَ بَعْضُ جَسَدِهِ بِبَعْضٍ.»

۲. استفاده مُحرَم از سایه در روز و در فرض تأذی از تابش آفتاب و نه به‌طور مطلق (چه روز و چه شب، چه در هوای صاف و چه ابری) مورد نهی است.

شانزده. روایت صحیح علی بن جعفر از امام کاظم(ع):

علی بن جعفر نقل می‌کند از برادرش سؤال کردم: «آیا می‌توانم در حال احرام از سایه استفاده کنم؟» فرمودند: «بله و باید کفاره دهی». راوی: علی بن جعفر را دیدم که هنگام ورود به مکه شتری را به خاطر کفاره استفاده از سایه نحر می‌نمود<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳: ۹۷).

از روایت جواز استفاده از سایه در حال اختیار با دادن کفاره قابل استفاده نیست، زیرا احتمال دارد علی بن جعفر در استفاده از سایه معذور بوده است. به‌خصوص به قرینه اولین روایت مورد بحث که بیان کرد حرمت تظلیل در حال اختیار با ادای کفاره از بین نمی‌رود. بلکه ممکن است گفته شود لزوم کفاره، بر حرمت تظلیل برای غیر معذور دلالت دارد، و الا وجهی برای اثبات کفاره جهت ارتکاب فعلی که برای مُحرَم حلال است وجود ندارد و عذر نیز مانع از توجه حرمت به مُحرَم معذور است.

هفده. روایت صحیح ابن بزیع از امام رضا(ع):

به امام رضا(ع) نامه نوشته و سؤال کردم: آیا مُحرَم می‌تواند زیر سایه محمل حرکت کند؟ حضرت نوشتند: «بله» و مردی از ایشان در مورد سایه برای مُحرَم به دلیل اذیت باران یا آفتاب سؤال کرد و من می‌شنیدم، پس حضرت به او امر نمودند گوسفندی را به‌عنوان کفاره در منا ذبح کند.<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۳۵۱).

مستفاد از روایت مذکور، امور ذیل است:

۱. وَ عَنْهُ عَنْ عَلِي بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَخِي عَلَيْهِ السَّلَامُ أَظَلُّلُ وَأَنَا مُحْرِمٌ؟ فَقَالَ: «نَعَمْ وَ عَلَيْكَ الْكَفَّارَةُ» قَالَ: فَرَأَيْتُ عَلِيًّا إِذَا قَدِمَ مَكَّةَ يَنْحَرُ بَدَنَهُ لِكَفَّارَةِ الظِّلِّ.

۲. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ يَجُوزُ لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَمْشِيَ تَحْتَ ظِلِّ الْمَخْمَلِ؟ فَكَتَبَ: «نَعَمْ» قَالَ: وَ سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الظَّلَالِ لِلْمُحْرِمِ مِنْ أَذَى مَطَرٍ أَوْ شَمْسٍ وَ أَنَا أَسْمَعُ فَأَمَرَهُ أَنْ يَفْدِيَ شَاءَ وَ يَذْبَحَهَا بِمَنَى.

۱. استفاده از سایه غیر از ایجاد سایه است و اولی جایز و دومی غیرجایز است.
۲. ایجاد سایه برای مُحرم معذور با پرداخت کفاره جایز است و همین جواز با ادای کفاره، بر حرمت ایجاد سایه برای مُحرم غیرمعذور دلالت دارد.
۳. ایجاد سایه در روز جایز نیست و بارش باران، عذر استفاده از سایه در روز یا شب، با ادای کفاره است.

هجده. روایت صحیح عبدالله بن سنان از امام صادق(ع):

درحالی که پدرم از گرمای خورشید به امام صادق(ع) شکوه داشت و از آن اذیت می شد پرسید آیا جایز می دانید با گوشه پیراهن خود را از تابش آفتاب بپوشانم؟ آن حضرت فرمودند: «مادامی که به سرت برخورد نکند اشکالی ندارد»<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۲۵).

روایت حاکی از این است که:

۱. حرمت ایجاد سایه توسط مُحرم برای راوی مسلم بوده است، اما وی در اطلاق مسئله و اینکه ایجاد سایه به هیچ شکلی جایز نیست یا می توان به شکل خاصی سایه را ایجاد نموده و از آن بهره برد، تردید داشته است. از این رو از حکم ایجاد سایه با بخشی از لباس سؤال نموده و حضرت آن را در فرضی که موجب ارتکاب مُحَرَّم دیگری از محرمات احرام یعنی پوشش سر نشود جایز دانسته اند.
۲. اطلاق روایت مذکور بر حرمت ایجاد سایه برای مُحرم چه در حال سیر و چه در حال توقف دلالت دارد.
۳. حرمت تظلیل، مختص به روز است.

نوزده. روایت صحیح محمد بن فضیل از امام کاظم(ع):

محمد بن فضیل نقل می کند: «در دالان خانه یحیی بن خالد در مکه بودیم - و امام

---

۱. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِأَبِي وَشَكَا إِلَيْهِ حَرَّ الشَّمْسِ وَهُوَ مُحْرِمٌ وَهُوَ يَتَأَدَّى بِهِ فَقَالَ: تَرَى أَنْ أُسْتَتِرَ بِطَرْفِ ثَوْبِي؟ فَقَالَ: «لَا بَأْسَ بِذَلِكَ مَا لَمْ يَصِيبَكَ رَأْسُكَ.»

کاظم(ع) هم در آنجا حضور داشته و ابویوسف هم بود- در این هنگام ابویوسف نزد حضرت رفته و چهارزانو مقابل ایشان نشست و گفت: ای ابالحسن! فدایتان شوم، مُحرم می‌تواند بر خودش سایه قرار دهد؟ فرمودند: «نه»؛ گفت: می‌تواند از سایه دیوار و محمل بهره برد و در خانه و خیمه داخل شود؟ فرمودند: «بله». در این هنگام وی از روی استهزا خنده‌ای کرد. امام با مشاهده خنده او فرمودند: «ای ابویوسف! دین آن‌گونه که تو و دوستانت قیاس می‌کنید مورد مقایسه قرار نمی‌گیرد... رسول خدا صلی‌الله‌علیه و اله حج به‌جا آورد و مُحرم شد و بر خود سایه قرار نداد، اما داخل خانه و خیمه شد و از سایه محمل و دیوار بهره برد؛ پس ما همان‌گونه که رسول خدا صلی‌الله‌علیه و اله رفتار نمودند بیان کردیم». پس از آن وی سکوت اختیار کرد. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۵۲۲).<sup>۱</sup>

آنچه از این روایت قابل استفاده است به قرار ذیل است:

۱. ایجاد سایه برای مُحرم جایز نیست، اما استفاده از سایه ایجادشده با خانه و خیمه و مانند آن اشکال ندارد؛

۲. به قرینه سیاق یعنی پرسش از سایه دیوار فهمیده می‌شود مراد از سایه محمل، سایه‌ای است که با بودن محمل در مقابل نور آفتاب بر کسی که در کنار آن قرار دارد می‌افتد، نه سایه‌ای که با نشستن در محمل برای مُحرم ایجاد می‌شود؛

۳. از آنجا که عدم تظلیل پیامبر اکرم(ص)، مقارن با احرام و شروع انجام مناسک حج توسط ایشان بوده و لازمه انجام مناسک، پیمودن مسیر میقات تا مکه و از آنجا تا مشاعر حج است، چنین فهمیده می‌شود که مُحرم مجاز نیست برای خود در طول زمان انجام مناسک

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: كُنَّا فِي دَهْلِيْزِ يَحْيَى بْنِ خَالِدٍ بِمَكَّةَ - وَكَانَ هُنَاكَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبُويُوسُفَ - فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُويُوسُفَ وَ تَرَبَّعَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، جُعِلَتْ فِدَاكَ! الْمُحْرِمُ يَطَّلُ؟ قَالَ: «لَا» قَالَ: فَيَسْتَنْظِلُ بِالْجِدَارِ وَ الْمُحْمِلِ وَ يَدْخُلُ الْبَيْتَ وَ الْخَبَاءَ؟ قَالَ: «نَعَمْ» قَالَ: فَضَحِكَ أَبُويُوسُفَ شِبْهَ الْمُسْتَهْزِئِ؛ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا أَبَايُوسُفَ إِنَّ الدِّينَ لَيْسَ بِقَاسٍ كَقِيَاسِكَ وَ قِيَاسِ أَصْحَابِكَ ... حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَأَحْرَمَ وَ لَمْ يَطَّلْ وَ دَخَلَ الْبَيْتَ وَ الْخَبَاءَ وَ اسْتَنْظَلَ بِالْمَحْمِلِ وَ الْجِدَارِ فَقُلْنَا كَمَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» فَسَكَتَ.

خواه در حال سیر و پیمایش مسیر و خواه در حال توقف، سایه بان قرار دهد، اما می‌تواند در حال توقف و استراحت، از سایه‌های ایجاد شده با چیزهای ثابت و غیرمتحرک مانند خیمه و دیوار یا چیزهایی که به‌طور موقت، ساکن و غیرمتحرک‌اند، مانند محمول بهره برد؛ بنابراین ملاک در حرمت سایه برای مُحرم، ایجاد سایه است اعم از اینکه مُحرم، پیاده یا سواره باشد؛ ۴. به قرینهٔ مقابله ظهور دارد در اینکه استفاده از سایهٔ خانه و خیمه در زمان استراحت اعم از وسط راه یا بعد از رسیدن به مقصد یعنی مکه مکرمه جایز است.

۵. از آنجا که سایه با تابش آفتاب در روز معنا پیدا می‌کند، پس استفادهٔ مُحرم از سایه در روز و در فرض تأذی از تابش آفتاب و نه به‌طور مطلق (خواه شبانه مناسکش را انجام دهد یا روزانه) مورد نهی است.

بیست. روایت محمد بن فضیل و بشر بن اسماعیل از امام کاظم(ع):

جعفر بن مثنی خطیب: «محمد بن فضیل به من گفت: ای پسر مثنی تو را شاد کنم؟ گفتم: بله و نزد او رفتم؛ گفت: این فاسق (أبویوسف قاضی از شاگردان ابوحنیفه) داخل شد و مقابل امام کاظم(ع) نشست، سپس به حضرت عرضه داشت: ای ابالحسن نظرت در مورد مُحرم چیست؟ آیا می‌تواند بر محمول از سایه بهره برد؟ فرمودند: «نه» گفت: می‌تواند در خیمه از سایه بهره برد؟ فرمودند: «بله»؛ پس سخن حضرت را از روی استهزا تکرار کرد، درحالی که می‌خندید و گفت: ای ابالحسن چه فرقی بین این دو هست؟ فرمودند: «ای ابایوسف، همانا دین آن‌گونه که قیاس می‌کنید مورد قیاس قرار نمی‌گیرد، شما دین را بازیچه قرار داده‌اید، ما همان‌طوری که رسول خدا(ص) رفتار نموده رفتار کرده‌ایم و همان‌طور که گفته بیان کرده‌ایم، رسول خدا(ص) بر مرکبش سوار می‌شد و بر آن از سایه بهره نمی‌برد، درحالی که از خورشید اذیت می‌شد، پس با قسمتی از بدن خود قسمت دیگر را می‌پوشاند و چه بسا با دست صورتش را می‌پوشاند و زمانی که از مرکب پایین می‌آمد از سایهٔ خیمه و خانه و دیوار بهره می‌برد.»<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲: ۵۲۰)

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ الْمُثَنَّى الْخَطِيبِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ وَبَشَرَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ



روایت مذکور به دلیل مجهول بودن جعفر بن مثنی خطیب ضعیف است، اما این روایت و روایت قبل که از سند صحیحی برخوردار است، هر دو توسط محمد بن فضیل نقل شده و مضمون نقل شده حاکی از یکی بودن واقعه مورد نقل است. بدین معنا که یک واقعه توسط محمد بن فضیل از دو طریق نقل شده که نقل از یک طریق، صحیح و از طریق دیگر مورد خدشه است. لکن چون حکایت یک واقعه و توسط یک راوی است، باید محتوای دو نقل به گونه‌ای باشد که با یکدیگر تضاد و تناقض نداشته باشد.

بنابراین با ملاک قرار دادن روایت صحیح در تطبیق دو روایت بر موضوع مورد گفت‌وگو باید گفت:

۱. در روایت اول با کلمه «یظلل» به معنای ایجاد سایه، از حکم سایه سؤال شده که نشان می‌دهد مراد راوی در روایت دوم از عبارت «أَيَسْتَنْظِلُ عَلَى الْمَحْمِلِ» همان ایجاد سایه با نشستن در محمل بوده است. در این صورت، نهی در هر دو روایت، بر حرمت ایجاد سایه برای مُحْرَم دلالت دارد؛

۲. در روایت اول «استظلال بمحمل» در ردیف استظلال به دیوار، مورد سؤال قرار گرفته که معلوم می‌شود مراد راوی، استفاده از سایه بیرونی محمل در زمان توقف است، ولی در روایت دوم استفاده از سایه «محمل» در مقابل «خباء» به معنای خیمه مورد سؤال قرار گرفته که حاکی از این است که مراد راوی، ایجاد سایه با نشستن در محمل هنگام طی مسیر بوده است؛

قَالَ: قَالَ لِي مُحَمَّدٌ أَلَا أَسْرُكُ يَا ابْنَ مَثْنَى؟ قَالَ: قُلْتُ: بَلَى وَ قُمْتُ إِلَيْهِ؛ قَالَ: دَخَلَ هَذَا الْفَاسِقُ أَنِفًا فَجَلَسَ قُبَالَةَ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا تَقُولُ فِي الْمُحْرَمِ أَيْسْتَنْظِلُ عَلَى الْمَحْمِلِ؟ فَقَالَ لَهُ: «لَا» قَالَ: فَيَسْتَنْظِلُ فِي الْخَبَاءِ؟ فَقَالَ لَهُ: «نَعَمْ» فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْقَوْلَ شِبْهَ الْمُسْتَهْزِئِ يَضْحَكُ فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ فَمَا فَرَقُ بَيْنَ هَذَا وَ هَذَا؟ فَقَالَ: «يَا أَبَا يَوْسُفَ إِنَّ الدِّينَ لَيْسَ بِقِيَاسٍ كَقِيَاسِكُمْ، أَنْتُمْ تَلْعَبُونَ بِالدِّينِ، إِنَّا صَنَعْنَا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قُلْنَا كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَرْكَبُ رَاحِلَتَهُ فَلَا يَسْتَنْظِلُ عَلَيْهَا وَ تُؤَذِيهِ الشَّمْسُ فَيَسْتُرُ جَسَدَهُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ رُبَّمَا سَتَرَ وَجْهَهُ بِيَدِهِ وَ إِذَا نَزَلَ اسْتَنْظَلَ بِالْخَبَاءِ وَ فِيءِ الْبَيْتِ وَ فِيءِ الْجِدَارِ».

۳. از آنجا که خیمه و خانه در زمان توقف و استراحت استفاده می‌شوند و اغلب از محمل و سایه آن هنگام مسافرت و پیمایش مسیر استفاده می‌شود، ممکن است حرمت ایجاد سایه به زمان پیمایش مسیر و سفر با مرکب اختصاص داده شود؛

۴. از آنجا که در هر دو روایت برای مُحرم، چه در هنگام توقف و استراحت و چه در بین راه یا در مقصد، فقط استفاده از سایه ثابت مجاز دانسته شده است، بنابراین حتی اگر مراد از سیر در این روایات، سیر سفری باشد، نمی‌توان جواز استفاده مُحرم از سایه متحرک در منزل و مقصد یا محل توقف در بین راه را از آن استنباط کرد، مگر اینکه گفته شود ماحصل این دو روایت، جواز استفاده مُحرم از سایه در زمان توقف در منزل، مقصد و محل استراحت و حرمت استفاده از سایه هنگام سفر است، لکن استنباط این معنا مستلزم الغای خصوصیت از سایه خیمه و خانه و دیوار است.

#### ۴. نقد و بررسی و بیان رأی مختار

در بررسی روایات مذکور باید گفت اگرچه برخی از آنها از نظر سندی ضعیف‌اند، عمده روایات از سند قابل قبولی برخوردارند. علاوه بر اینکه محتوای روایات ضعیف نیز در روایات صحیح وجود دارد، از این رو از ضعف سند باید چشم‌پوشی و بر نحوه دلالت تمرکز کرد.

به نظر می‌رسد بتوان روایات را در یک تقسیم کلی، به دو دسته روایات جواز و منع تقسیم کرد. البته روایات جواز در دو دسته و روایات منع نیز به سه دسته قابل تقسیم است. از دسته روایات جواز، برخی بر جواز استفاده معذور از سایه دلالت دارد و ممکن است از جواز تظلیل برای معذور، عدم جواز برای غیر معذور را نیز استفاده کرد، زیرا در غیر این صورت، استثنای معذور بی‌معنا خواهد بود. برخی نیز بر کراهت تظلیل دلالت دارد، زیرا در فقره «مایعجینی» در روایت صحیح حلبی، «ما» ظهور در نافی بودن دارد، در نتیجه معنای فعل، چنین می‌شود: «مرا خشنود نمی‌سازد» و این معنا در کراهت ظهور دارد، همچنین در روایت صحیح جمیل، تعبیر به ترخیص برای مردان در فقره «و قد رخص فيه للرجال» با توجه به روایات فراوان ناهی از استظلال، در کراهت ظهور می‌یابد، اما چنانکه برخی از

فقیهان معاصر نیز بدان اشاره نموده‌اند مسئله تقیه در آن جدی و قابل اعتناست (سبحانی، ۱۴۲۷ق، ج ۳: ۴۹۹).

ترخیص بیان‌شده در مورد سایه برای مردان مُحرم در روایت هشتم نیز چنانکه گذشت، بر حرمت تظلیل در موارد و مصادیق غیرترخیصی که از سایر روایات استفاده می‌شود، قابل حمل است. از این رو به نظر می‌رسد حمل این روایت بر ضرورت یا کنار گذاشتن آن به جهت تعارض با سایر روایات و ترجیح روایات دال بر حرمت به ملاک مخالفت با عامه که در کلام برخی فقها آمده قابل پذیرش نیست (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸: ۳۹۵).

پس روایات دال بر جواز، منافاتی با روایات دال بر منع ندارد، زیرا یا جواز را برای معذوران اثبات می‌کند یا بر تقیه حمل شده یا به مصادیق خاصی از سایه اشاره دارد و می‌تواند اطلاق ادله منع را نسبت به این مصادیق، مقید گرداند.

اما روایات دال بر منع نیز به سه قسم قابل تقسیم است:

دسته اول روایاتی است که از ایجاد سایه توسط مُحرم نهی می‌کند. در این روایات، گاهی از ایجاد سایه به طور مطلق و گاهی از ایجاد سایه با سوار شدن بر محمل و مانند آن نهی شده است. اگرچه در نگاه اول ممکن است گفته شود در این دسته، قاعده اصولی اقتضای حمل مطلق بر مقید را دارد و باید ایجاد سایه با سوار شدن بر محمل و مانند آن برای مُحرم جایز نباشد، اما به نظر می‌رسد قید «محمل» و مانند آن، در حکم حرمت دخالت ندارد و این قید، صرفاً جهت تقریب به ذهن نسبت به نوع تشکیل سایه بوده است. این مطلب به دلیل وجود قرائن ذیل، از روایات قابل استفاده است:

۱. سؤال از ایجاد سایه با عباراتی مانند «أظلل» بدون آوردن قید سیر یا توقف یا محمل در سؤال، حاکی از این است که آنچه برای سائل اهمیت داشته حکمش را بدانند، ایجاد سایه بوده است، نه صرف استفاده از سایه محمل یا در حال سیر و نفی جواز به طور مطلق توسط امام(ع) بدون هر گونه تفصیلی در مسئله و با وجود در مقام بیان بودن ایشان، حاکی از عدم تأثیر این قید در حکم مسئله است.

۲. آنچه موجب تعجب و ابهام مخالفان امام(ع) بوده، تفاوت بین حکم سایه‌ای است که

خود مُحرم بر خود ایجاد می‌کند و سایه موجود است که مُحرم از آن استفاده می‌کند؛ البته به‌طور طبیعی چنین سایه‌ای هنگام توقف قابل استفاده است، کما اینکه به ایجاد سایه هنگام سیر نیاز است، یعنی از اینکه سایه دو حکم داشته باشد، متعجب بوده‌اند نه از تفاوت حکم سایه بر محمل یا در حال سیر و سایه ثابت. بنابراین به‌نظر می‌رسد سیر یا توقف، در حکم دخیل نبوده و فقط لازمه تحقق سایه‌ای هستند که مورد سؤال قرار گرفته است.

۳. سؤال از تظلیل با گوشه لباس یا دست بدون قید سیر، محمل یا توقف در سؤال برخی روایت، نشان‌دهنده این است که راوی می‌دانسته ایجاد سایه برای محرم جایز نیست و ابهام او در این بوده که آیا ایجاد سایه با گوشه لباس یا دست برای مدت محدود هم در گستره حرمت است یا نه و این به‌خوبی حاکی از این است که موضوع حرمت، ایجاد سایه بدون مداخلت محمل، سیر یا توقف است.

۴. سؤال از جواز و عدم جواز استفاده از سایه محمل هنگام حرکت به‌صورت پیاده در کنار محمل، ظهور دارد در اینکه نزد راوی حرمت ایجاد سایه که با سوار شدن بر محمل محقق می‌شود، مسلم بوده و وی درصدد بوده بفهمد آیا این کار وی نیز مصداق ایجاد سایه است یا نه و پاسخ امام(ع) نیز دلالت دارد بر اینکه استفاده از سایه محمل هنگام پیاده‌روی مصداق ایجاد سایه نیست.

۵. در بیشتر روایات، سؤال راوی یا پاسخ امام(ع) با عبارت «أظلل» یا «یظلل» از ایجاد سایه است و حتی در مواردی که از حکم سایه سؤال شده، امام(ع) با عبارت «لا یظلل»، «ظلل» و مانند آن پاسخ داده‌اند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت وجه مشترکی که نهی شده، ایجاد سایه است و سیر، محمل یا توقف، در حکم دخالتی ندارد.

دسته دوم روایاتی است که در آنها مُحرم به «إضحاء» و در معرض خورشید قرار گرفتن، امر شده و اطلاق این دسته دلالت دارد بر اینکه مُحرم باید از مطلق سایه پرهیز کند. البته این اطلاق با جواز استفاده مُحرم از سایه ثابت که در برخی روایات آمده است، مقید می‌شود.

دسته سوم روایاتی را شامل است که از استتار مُحرم از خورشید نهی می‌کنند. اگرچه

اطلاق مستفاد از این روایات، بر حرمت استفاده مُحرم از مطلق سایه دلالت دارد، اما این اطلاق نیز با جواز استفاده مُحرم از سایه ثابت که در برخی روایات جواز آمده است، قابل تقیید است.

نتیجه سه دسته اخیر، وجوب قرار گرفتن مُحرم در معرض آفتاب و حرمت استتار و ایجاد سایه و مانع از این تابش جز نسبت به سایه ثابت است. همچنین قرائن موجود در روایات، دال بر حرمت تظلیل در روز و در هوای بارانی اعم از روز یا شب است. اما چنانچه بودن سایه بان و نبودن آن تأثیری در ایجاد سایه نداشته باشد، مانند زمانی که هوا ابری است، حرمت تظلیل منتهی است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۲۴۰).

به نظر می‌رسد سیر و توقف در حکم مسئله تأثیری نداشته و ملاک در حرمت، ایجاد سایه بوده است. از این رو باید گفت در موضوع مورد گفت‌وگو، استفاده مُحرم از وسایل نقلیه مسقف در روز برای تردد در شهر مکه یا رفتن به عرفات جایز نیست. اما از آنجا که بر عبور از تونل‌های موجود در این شهر هرچند طولانی، ایجاد سایه صدق نمی‌کند، عبور در حال احرام جایز است و حاکی به عدم صدق نیز فقیه است، زیرا عرف در تطبیق مفهوم تظلیل بر مصادیق آن معتبر نیست و باید به کارشناسی فقیه مراجعه کرد و برای فقیه ممکن است از روایاتی که گذشت، استنباط کند که ایجاد سایه‌ای که توسط مُحرم ایجاد شود، جایز نیست. علاوه بر اینکه هدف از ایجاد تونل، کوتاه کردن مسیر و آسان‌سازی تردد است و ایجاد سایه، لازمه انفکاک‌ناپذیر آن است، درحالی که نهی در روایات، از قرار دادن چیزی یا استفاده از چیزی مانند قبه، باهدف خصوص ایجاد سایه است.

نکته نهایی که لازم است مورد توجه قرار گیرد، این است که برپا کردن خیمه در مسیر میقات تا مکه یا در سرزمین عرفات و منا، ایجاد سایه نیست، بلکه برپا کردن محل استراحت موقت و قابل نقل است که لازمه انفکاک‌ناپذیر آن ایجاد سایه بر کسانی است که از آن استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، خیمه مانند چتر، قبه و کنیسه صرفاً به‌منظور ایجاد سایه نیست، تا استفاده از آن، مصداق ایجاد سایه بوده و مورد نهی قرار گیرد و تعبیر «تدخل البيت و الخباء» که در برخی روایات آمده است نیز مؤید همین معناست و نشان

می‌دهد راوی از تعبیر به خیمه که در ردیف خانه قرار داده، استفاده از سایه موجود و نه ایجاد سایه را قصد کرده است. علاوه بر این اگر برپایی خیمه بخواهد ایجاد سایه باشد، ساختن ساختمان به طریق اولی ایجاد سایه بوده و بهر بردن از سایه ساختمان نیز نباید مجاز باشد.

## ۵. نتیجه

نتایج این پژوهش را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. مشهور فقیهان امامیه به حرمت تظلیل برای مردان مُحرم در حال سیر معتقدند؛ اگرچه قول مقابل مشهور کراهت تظلیل است، اسناد و نصوص شرعی مربوط به تظلیل مُحرم، قائلان این قول را یاری نمی‌رساند.
۲. برخی قائلان به حرمت تظلیل به دلیل وجود قرائنی در روایات معتقد شده‌اند مراد از سیر مستنبط از روایات، سیر سفری است. مطابق با این دیدگاه، تردد در شهر مکه با وسایل نقلیه مسقف جایز است، اما کسانی که تظلیل در مطلق سیر با مرکب را جایز ندانسته‌اند، تردد مزبور در شهر مکه را نیز مشمول حرمت می‌دانند.
۳. حکم عبور از تونل‌های شهر مکه نیز تابع نظر فقیه در ملاک حرمت تظلیل است. بنابراین اگر فقیه، تظلیل را در سیر سفری حرام بداند، عبور از تونل‌های شهر مکه به شکل پیاده یا سواره به دلیل عدم صدق سیر سفری جایز است، اما اگر ملاک حرمت در نظر فقیه، سیر با مرکب باشد، تنها عبور به شکل پیاده جایز است.
۴. قرائنی در روایات باب تظلیل مُحرم وجود دارد که سبب می‌شود حرمت تظلیل به حرمت ایجاد سایه تفسیر شود و به نظر می‌رسد سیر یا توقف، در حکم مسئله دخیل نیستند. بر این اساس تردد در شهر مکه با وسایل نقلیه مسقف جایز نیست، اما از آنجا که بر عبور از تونل به شکل پیاده، ایجاد سایه بر خود صدق نمی‌کند، عبور از آن برای مرد مُحرم جایز است. علاوه بر اینکه هدف از ایجاد تونل، کوتاه کردن مسیر و آسان‌سازی تردد است و ایجاد سایه، لازمه انفکاک‌ناپذیر آن است، درحالی‌که نهی در روایات، از قرار دادن

چیزی یا استفاده از چیزی مانند قبه، با هدف خصوص ایجاد سایه است.  
۵. همچنین قرائن موجود در روایات، دال بر حرمت ایجاد سایه در روز و در هوای بارانی اعم از روز یا شب است، اما چنانچه بودونبود سایه بان تأثیری در ایجاد سایه نداشته باشد، مانند تظلیل در هوای ابری، حرمت تظلیل منتفی است.



### کتابنامه

۱. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۲ق). *منتهی المطلب*، چ اول، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۴. ----- (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعه*، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. خمینی، سید روح اله موسوی (بی تا). *تحریر الوسیله*، چ اول، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۶. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). *المعتمد فی شرح المناسک*، چ اول، قم: منشورات دار العلم-لطفی.
۷. سبحانی، جعفر (۱۴۲۷ق). *الحج فی الشریعة الاسلامیه الغراء*، چ اول، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
۸. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۹. صافی، لطف الله (۱۴۲۳ق). *فقه الحج*، چ دوم، قم: مؤسسه حضرت معصومه(ع).
۱۰. طباطبائی کربلایی، علی بن محمد علی (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل*، چ اول، قم: مؤسسه آل البيت(ع).
۱۱. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الامامیه*، چ سوم، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
۱۲. عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱ق). *مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرایع*



- الاسلام، چ اول، بیروت: مؤسسه آل‌البيت(ع).
۱۳. عاملی، شیخ حر، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، چ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت(ع).
۱۴. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق). الدروس الشریعه فی فقه الامامیه، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. کاشف الغطاء، احمد بن علی (۱۴۲۳ق). سفینه النجاة و مشکاة الهدی، چ اول، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). کافی، چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۸. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷ق). ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، چ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت(ع).
۱۹. مدنی کاشانی، حاج آقا رضا (۱۴۱۱ق). براهین الحج للفقهاء و الحجج، چ سوم، کاشان: مدرسه علمیه آیة الله مدنی کاشانی.
۲۰. مظاهری، منصور (۱۳۹۷). مناسک حج مطابق با فتوای امام خمینی و مراجع تقلید، چ سیزدهم، قم: مشعر.
۲۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). مستند الشیعه فی احکام الشریعه، چ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت(ع).
۲۳. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۸ق). عروه الوثقی مع تعلیقات فاضل، چ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).

## References

1. Ibn Idris Hali, Muhammad ibn Mansour ibn Ahmad (1987). *Al-Sarair al-Hawi for writing fatwas*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom, second edition. (in Arabic)
2. Bahrani, Yusuf Ibn Ahmad (1982). *Al-Hadaiq Al-Nadharah Fi Ahkam Al-Atrah Al-Tahira*, Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
3. Halli, Allama, Hassan Ibn Yusuf Ibn Motahar Asadi (1989). *Muntah al-Muttalib*, Mashhad: Islamic Research Complex, first edition. (in Arabic)
4. Halli, Allameh, Hassan Ibn Yusuf Ibn Motahar Asadi (1990). *Various Shiites*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom, second edition. (in Arabic)
5. Khomeini, Seyyed Ruhollah Mousavi (unpublished). *Tahrir al-Waseela*, Qom: Dar al-Alam Press Institute, first edition. (in Arabic)
6. Khoei, Sayyid Abu al-Qasim (1987). *Al-Mu'tamid Fi Sharh Al-Manasek*, Qom: Dar Al-Alam-Lotfi Publications, first edition. (in Arabic)
7. Sobhani, Ja'far (2005). *Al-Hajj in Islamic Sharia Al-Ghara*, Qom: Imam Sadegh (as) Institute Publications, first edition. (in Arabic)
8. Sahib Jawahir, Mohammad Hassan Ibn Baqir (1981). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharia al-Islam*, Beirut: Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, seventh edition. (in Arabic)
9. Safi, Lutfullah (2001). *Jurisprudence of Hajj*, Qom: Institute of Hazrat Masoumeh (as). second edition. (in Arabic)
10. Tabatabai Karbala'ei, Ali ibn Muhammad Ali (1996). *Riyadh Al-Masa'il fi Tahqiq al-Ahkam al-Dala'il*, Qom: Al-Bayt Institute, first edition. (in Arabic)
11. Tusi, Abu Ja'far, Muhammad ibn Hassan (1965). *Al-Mabsut Fi Fiqh Al-Imamiyya*, Tehran: Al-Mortazavi Library for the Revival of Al-Jaafari Works, Third Edition. (in Arabic)
12. Ameli, Muhammad ibn Ali Mousavi (1988). *Evidence of rulings in the description of the worships of Islamic law*, Beirut: Al-Bayt Institute, first edition. (in Arabic)
13. Ameli, Sheikh Har, Muhammad ibn Hassan (1986). *Tafsil Wasa'il al-Shi'ah to study the issues of Sharia*, Qom: Al-Bayt Foundation, first edition. (in Arabic)
14. Ameli, the first martyr, Mohammad Ibn Makki (1995). *Sharia courses in Imami jurisprudence*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association, second edition. (in Arabic)
15. Fadhil Hindi, Muhammad ibn Hassan (1994). *Kashf al-Latham wa al-Abham on the rules of the rules*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom, first edition. (in Arabic)
16. Kashif al-Ghatta ', Ahmad Ibn Ali (2001). *Safina al-Najat wa Mishka' al-Huda*, Najaf: Kashif al-Ghatta 'Institute, first edition. (in Arabic)
17. Klini, Mohammad Ibn Ya'qub (1985). *Kafi*, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya, fourth edition. (in Arabic)
18. Mohaqeq Sabzevari, Mohammad Baqir bin Mohammad Mo'menin (1825). *Zahirah al-Ma'ad fi Sharh al-Arshad*, Qom: Al-Bayt Institute, first edition. (in Arabic)

Arabic)

19. Madani Kashani, Haj Agha Reza (1988). *Proofs of Hajj for the jurists and Hajj*, Kashaan: Ayatollah Madani Kashani Theological School, third edition. (in Arabic)
20. Mazaheri, Mansour (2018). *Hajj rituals in accordance with the fatwa of Imam Khomeini and the authorities of imitation*, Qom: Mashar Publishing, 13th edition. (in Persian)
21. Muqaddas Ardabili, Ahmad Ibn Muhammad (1981). *Majma 'al-Faيدا wa al-Burhan fi Sharh Irshad al-Azhan*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom, first edition. (in Arabic)
22. Naraqi, Ahmad ibn Muhammad Mahdi (1993). *Shiite documentary on the rules of Sharia*, Qom: Al-Bayt Institute, first edition. (in Arabic)
23. Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem (2006). *Arwa al-Wathqi with the commentaries of Fadhil*, Qom: the jurisprudential center of the Imams, first edition. (in Arabic)

